

مقدمه به قلم معاونت محترم سلامت استاد عالیقدر جناب آقای دکتر محمد اسماعیل اکبری

صفت رحمن و رحیم در آیه شریفه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، پیام محبت‌آمیز خداوند منان به تمام موجودات و مخصوصاً گل سرسبد جهان هستی یعنی انسان‌ها است تا ما انسان‌ها نیز زیربنای سحر‌آمیز محبت را سرلوحه تمامی روابط حسنه خود قرار دهیم و با احترام به حقوق یکدیگر به آبادانی جهان پرداخته، هرگز به فکر هلاکت هموعان خود نیفتیم. در تاریخ پرفراز و نشیب پزشکی و بهداشت نیز همچون تاریخ عمومی، شاهد افت و خیزهای فراوانی هستیم و در بسیاری از موارد، نوعی تکرارپذیری و حرکت ماریچی را مشاهده می‌کنیم و نه حرکتی تکاملی و تصاعدی و در جهت نیل به اهداف مرتبط با حفظ و ارتقای سلامت! به طوری که زمانی **طاعون** باعث مرگ میلیون‌ها انسان می‌شود و نهایتاً در سایه سعی و کوشش انسان‌های فرهیخته و دانشمندان افتخار آفرین، با شناخت اپیدمیولوژی بیماری و به تبع آن قطع زنجیره انتقال و درمان انسان‌های بیمار در اغلب مناطق به وادی حذف و ریشه‌کنی می‌پیوندد و در سایر نقاط جهان نیز تحت کنترل در می‌آید، زمانی هم **آبله** در سراسر گیتی، مرگبارترین چهره خود را تقریباً به تمام انسان‌ها نشان داده و بسیاری از آنان را به کام مرگ فرو می‌برد ولی سرانجام این انسان خردمند است که پیروز می‌شود و در سایه بررسی ابعاد مختلف همه‌گیری شناختی آن با تولید واکسنی مؤثر و واکسیناسیون اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان، موجبات ریشه‌کنی این بالای مهلک را فراهم می‌کند. بدیهی است که با واکسن‌های بسیار موثری به مبارزه با **دیفتیری، کزاز، سیاه سرفه و سل** نیز می‌پردازد و شعار **بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰** را سر داده، با عزمی راسخ و گام‌هایی استوار به مبارزه با سایر بیماری‌های عفونی و حتی امراض غیر مسری هم می‌پردازد و به موفقیت‌های عظیمی دست می‌یابد؛ ولی ناگهان عصری که می‌رفت تا به **ناپدید (Disappearing)** بیماری‌های عفونی بیانجامد به **نوپدید (Emerging)** و **بازپدید (Reemerging)** آنان می‌انجامد و ناگهان HIV/AIDS نوپدید، دست در دست **توبرکولوز** بازپدید، پا به عرصه وجود گذاشته و در سایه نقص ایمنی ناشی از ایدز، عوامل عفونت‌زایی که در زمینه صلابت ایمنی، هیچیک از سطوح سلامتی را تهدید نمی‌کردند، با نام بامسمای عوامل عفونی **فرصت طلب (Opportunistic)** پا به عرصه وجود گذاشته و در کنار بیماری‌های مهم و شناخته شده‌ای نظیر **توکسوپلاسموز، توبرکولوز، کالآزار** و ۰۰۰ به لشکریان HIV/AIDS پیوسته و در لشکرکشی ایدز علیه انسان شرکت نمودند و جای بسی شگفتی است که اینبار برخلاف تلاش‌های مجدانه خردپیشگان نامی و گمنام جهان هنوز هیچگونه توفیق اساسی و امیدبخشی در جهت ریشه‌کنی و حتی حذف این سندروم مهلک، حاصل نشده است و شگفتا که بقیه عوامل عفونت‌زای نوپدید

نیز در سه دهه آخر قرن بیستم، حادث گردیده، در آغاز هزاره سوم میلادی، خود را برای نبردی ظاهراً طولانی با انسان‌ها آماده کرده‌اند و مثلاً عواملی نظیر *روتاویروس‌ها*، *کریپتوسپوریدیوم*، *لژیونلا*، *ویروس‌های ابولا و هانتا*، *کامپلوباکتر ژژونی*، *HTLV-۱،۲* *اشریشیاکولی* *O* *هلیکوباکتر پیلوری*، *ویروس‌های عامل هیپاتیت E و C* و *ویبریوکلرای* *O* *ویروس هرپس انسانی تیپ ۸*، *ویروس‌های لیزای استرالیایی*، *آنفلوآنزای پرندگان* و *سرانجام ویروس نیپا*، تا پایان هزاره دوم میلادی، یکی بعد از دیگری اعلام موجودیت نموده در مقابل سلامتی انسان‌ها صف آرایی می‌کنند و در این گیرودار و نبرد همیشگی میکروب و انسان، دانشمندان افتخارآفرینی همچون *لویی پاستور*، راه را برای شناسایی و نابودی این عوامل هموار نموده نابخردانی همچون *جنرال شیروایشی ژاپنی* (به عنوان نسخه معکوس لویی پاستور) با سوء استفاده از کل دانش پزشکی، در جنگ چین و ژاپن و به بهانه پژوهش، دست به آزمایش‌های میکروبیولوژیک روی اسرای چینی در شهر منچوری می‌زند و آنطور که نوشته‌اند محیط‌های کشت مختلف و حتی *کک‌های حامل باسیل طاعون* را بر سر شهروندان چینی فرو میریزد و آنگونه که خود آنان نقل کرده‌اند وامروزه از طریق سایت‌های مختلف اینترنت، افشاء گردیده است نه تنها ژاپن بلکه بسیاری از کشورهای بزرگ آن زمان نظیر *آمریکا*، *شوروی سابق*، *انگلستان*، *فرانسه*، *آلمان* و *کانادا* نیز دست به تولید جنگ افزارهای بیولوژیک زده علیه دیگر کشورها به کار برده و یا در زرادخانه‌های خود انباشته‌اند. شگفت آور تر اینکه شوروی سابق و آمریکا که به گواهی تاریخ پزشکی در ریشه کنی آبله، بیشترین هزینه‌ها را متحمل شدند اینک جزء متهمین درجه یک تولید جنگ افزارهای بیولوژیک بوده و به قصد ترور شخصیتی، کشورهای آبرومندی همچون *ایران* را نیز به تولید اینگونه سلاح‌ها متهم نموده و آبرو و حیثیت این ملت شریف را به بازی می‌گیرند

...

به منظور خودداری از اطاله کلام، اینگونه صحبت‌ها را بگذاریم و بگذریم؛ چرا که اگر کابوس بیوتروریسم صحت داشته باشد، *راه دراز*، *صعب العبور* و *پرمخاطره‌ای* را پیش رو داریم و *این ما پزشکان و متخصصان رشته‌های مرتبط هستیم که باید آمادگی لازم به منظور اعمال اقدامات پیشگیرنده و درمانی را داشته باشیم* و بنابراین توجه عمیق به نکات ذیل، ضروری است:

۱ - حذف زمینه‌های بروز تنش و به تبع آن، جلوگیری از شکل‌گیری افکار بیوتروریستی

در رابطه با *تروریسم دولتی*، گفت و گوی صلح‌آمیز دولت‌ها به وسیله خردمندان، اندیشمندان و روسای مذاهب و جمع شدن حول محورهای مشترک، اعم از اقتصاد، سیاست، دین باوری و ... بهترین اقدام پیشگیرنده است که خوشبختانه قدم‌های نخست آن به وسیله ریاست محترم جمهوری وقت ایران اسلامی تحت عنوان *گفت و گوی تمدن‌ها* در سطح جهان برداشته شده است.

در خصوص *تروریسم غیردولتی* هم با توجه به اینکه *امروزه فقر مهمترین عامل خطر برای سلامتی است* باید با کم کردن فاصله اختلاف طبقاتی، آشنا کردن مردم با حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان و خودداری جهانخواران از پایمال کردن حقوق سایر ملت‌ها وارد کارزار شد. چرا که طبق آمارهای منتشره از طریق سازمان

ممل، اکنون در سطح جهان حدود یکصد میلیون کودک مبتلا به سوء تغذیه وجود دارد؛ امید به زندگی حدود پانصد میلیون نفر از مردم دنیا کمتر از ۴۰ سال است؛ حدود ۸۰۰ میلیون نفر از حداقل خدمات بهداشتی، بی بهره‌اند؛ حدود ۸۵۰ میلیون نفر از نعمت سواد محرومند؛ حدود یک بلیون و دویست میلیون نفر آب آشامیدنی مناسبی ندارند و بیش از یک بلیون و دویست میلیون نفر از مردم جهان در زیر خط فقر، زندگی می‌کنند و بسیاری از مردم فقیر دنیا طی دهه‌های اخیر، هیچگونه توسعه و پیشرفتی را تجربه نکرده و همانند نسل‌های قبل از خود در محرومیت مطلق بسر می‌برند و از طرفی، رشد روزافزون جمعیت که در بیش از ۹۰ درصد موارد مربوط به زاد و ولد همین اقشار محروم است طی ۱۲ سال اخیر باعث افزایش یک بلیون نفری در جمعیت جهان گردیده، تخمین زده می‌شود تا سال ۲۰۲۵ حدود دو بلیون نفر دیگر به توده جمعیت بیفرایند! قشری گرسنه، برهنه، بی کار، بیمار، ستمدیده، مأیوس و ۰۰۰ به راستی آیا انسان ستمدیده‌ای که شاهد پایمال شدن حقوق مسلم خود می‌باشد، در نهایت یأس و ناامیدی، اگر بتواند به اقدامات بیوتروریستی دست نخواهد زد؟ اگر جواب مثبت است، جهانیان و مخصوصاً مدعیان برقراری امنیت جهانی باید دست به دست هم داده همانگونه که در دهه‌های پایانی قرن بیستم به منظور ریشه کنی آبله از هیچ کوششی فروگذار نمودند در رابطه با ریشه کنی فقر و بی عدالتی نیز به طور جدی اقدام کنند، ملت‌های مظلوم را به جان یکدیگر نیندازند و سرمایه‌های جهانی را هدر ندهند.

۲ - با توجه به اینکه در بین عوامل بیولوژیکی که مورد سوءاستفاده بیوتروریستی قرار گرفته‌اند مواردی نظیر آبله ریشه کن شده و طاعون و ملیوئیدوز باستانی، عوامل نوپدید و مخصوصاً عوامل عفونت‌زای مقاومی که با دستکاری‌های ژنتیکی و بیوتکنولوژیکی به صورت مقاومتر و درمان ناپذیرتر از حالت طبیعی، تولید شده‌اند لازم است اساتید رشته بیماری‌های عفونی، پیش بینی‌های لازم را مبذول داشته، اینگونه بیماری‌ها را نیز در برنامه‌های درسی دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی، مد نظر قرار دهند.

۳ - با عنایت به اینکه بسیاری از میکروب‌ها و فراورده‌های بیولوژیکی که جزء فهرست مُفَصَّل عوامل جنگ افزاری قرار گرفته‌اند به دلیل سهولت دستیابی به آن‌ها و وجود الگوهای حیوانی، جزء عوامل بیماری‌زای مشترک بین حیوانات و انسان هستند لازم است *شورای عالی هماهنگی مبارزه با زئونوزها، دانشکده‌های دامپزشکی، موسسات تحقیقاتی و مخصوصاً انستیتویاستور و انستیتو رازی و نیز کمیته تدوین و ارزشیابی برنامه‌های دستیاری رشته بیماری‌های عفونی و گرمسیری* به این موضوع مهم توجه داشته و حتی در صورت جوابگو نبودن بعضی از رشته‌ها و نیاز به فوق تخصصی کردن آن‌ها اقدامات مقتضی صورت گیرد.

در خاتمه لازم است خشنودی و مسرت خود از این ابتکار جالب و به موقع کمیته علمی مبارزه با عوامل بیوتروریسم در مرکز مدیریت بیماری‌ها را اعلام نموده، تشکر قلبی خود را از همه اعضای این کمیته که در نگارش مباحثی از کتاب اپیدمیولوژی و کنترل بیماری‌های مرتبط با بیوتروریسم همکاری نموده و مخصوصاً برادر دانشمندم آقای دکتر حسین حاتمی که در این راه پیشقدم بوده و توفیق تالیف کتاب حاضر به صورت مکتوب و الکترونیک را کسب نموده است، اعلام و یادآور شوم که هرچند مجموعه حاضر، اولین کتاب در زمینه اپیدمیولوژی و کنترل بیماری‌های مرتبط با بیوتروریسم است ولی مجموعه‌ای جامع، منسجم و جوابگو را تشکیل می‌دهد که

بعضی از اهداف پزشکی جامعه نگر، مخصوصاً تأکید بر سطوح سه گانه پیشگیری را کاملاً پوشش داده تمام مطالب آن بر اساس الگوی واحدی نگاشته شده است که درک مطلب را برای فراگیرنده آسانتر می نماید.

در اینجا به عنوان حسن ختام از ذات اقدس خداوند منان می خواهیم که روح عدالتخواهی، عدالت گستری و امنیت سیاسی، اجتماعی و بهداشتی را در همه جهانیان تقویت فرماید + آمین

خرداد ماه ۱۳۸۱

دکتر محمد اسماعیل اکبری

معاون سلامت



محبت انسان، در خدمت سلامت انسانها و سایر موجودات

پیشگفتار :

سپاس یزدان را و سلام بر بندگان یزدان پرست و درود بر فرستادگان خدا باد

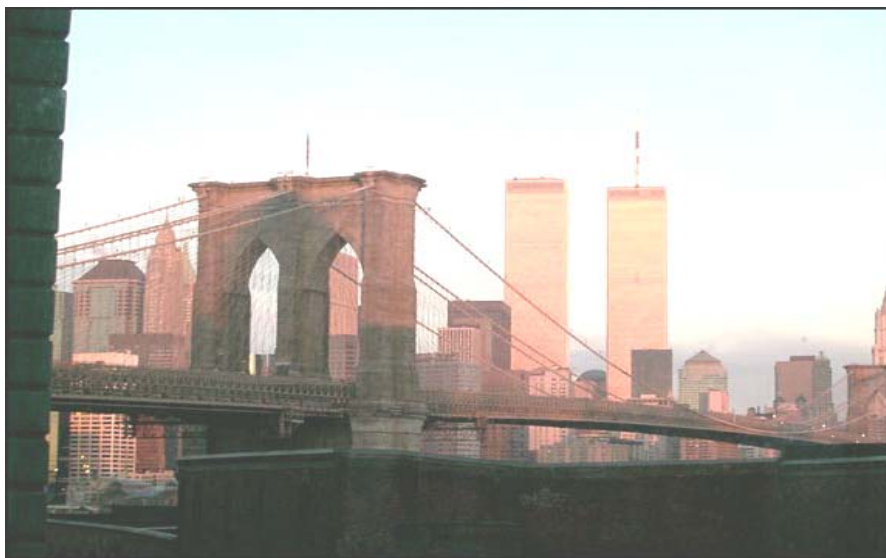
(مقدمه کتاب سوم قانون در طب - ابن سینا -)

آنان که به طور منظم هفته‌ای یک یا چند بار به سراغ اینترنت می‌روند و مقالات و مطالب مرتبط با بهداشت و رشته تخصصی بیماری‌های عفونی و گرمسیری، میکروبیولوژی و بیوتکنولوژی را پی‌گیری می‌کنند خواهند که از اواخر سال ۱۳۷۸ شمسی ناگهان سیل مقالات مرتبط با بیوتروریسم، به سوی پایگاه‌های مختلف اینترنت و از جمله سایت‌های علمی - پژوهشی CDC و WHO سرازیر شد و بسیاری از مجلات پزشکی، یکی از شماره‌های خود را به این مقوله، اختصاص دادند (*مجله بیماری‌های عفونی نوپدید (EID)*) و یا طی چند شماره متوالی، یک یا چند مقاله از این قبیل مقالات را به چاپ رساندند (*JAMA*) و طبیعی است که تحت این شرایط مشکوک، به عنوان یک هدف آموزشی، سعی کردیم علاوه بر طرح موضوع در گزارش‌های صبحگاهی که دستیاران رشته بیماری‌های عفونی و دانشجویان پزشکی، شرکت داشتند در برنامه هفتگی بررسی مطبوعات پزشکی (*Journal club*) نیز چند مقاله جدید را ارائه دهیم و در نیمه دوم سال ۱۳۷۹ خورشیدی یکی از پانل‌های *اولین کنگره ملی بهداشت عمومی و طب پیشگیری* را به این مقوله اختصاص دادیم و چند ماه بعد از آن شاهد درج مقالاتی در زمینه بیوتروریسم در کتب تخصصی پزشکی و از جمله در کتاب *مندل چاپ ۲۰۰۰* بودیم و جای بسی شگفتی بود که در صفحه ۳۲۳۵ کتاب مزبور، در متن مقاله *جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم* که حدود یک سال قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا منتشر شده بود، صراحتاً بر این موضوع تأکید می‌کند که *تروریست‌ها ممکن است بر هواپیماهای غول پیکر، سوار شده و آن‌ها را چنان بر برج‌های برافراشته مرکز تجاری نیویورک و امثال آن بکوبند که جان یکصد هزار نفر از شهروندان را به خطر بیندازند و بار دیگر یاد و خاطره واقعه هیروشیما را زنده کنند* (عین مطلب در جدول صفحه بعد، درج شده است)•

و سرانجام این شبه پیشگویی، تحقق پیدا می‌کند و حدود یکسال بعد از انتشار کتاب *مندل*، با اصابت هواپیماهای غول پیکر به مرکز تجاری آمریکا، این بلندترین برج تجاری، فرو می‌ریزد و آنگونه که رسانه‌های جهانی اعلام کردند در آن روز موعود، صدها نفر از هم‌کیشان آقای *جوشا لدربرگ* (*Joshua Lederberg*) نویسنده مقاله مورد اشاره که در برج‌های مذکور شاغل بوده‌اند در مرخصی به سر می‌برده‌اند که خود بیانگر این واقعیت است که دست اندر کاران و عاملان اینگونه حوادث از سال‌ها قبل مشغول سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و آماده سازی اذهان جهانیان به منظور تلقین غیر واقعی کابوس ماهیت تروریستی و بیوتروریستی بعضی از مذاهب توحیدی و متهم کردن بعضی از کشورها مبنی بر دارا بودن سلاح‌های بیولوژیک و قرار دادن ایران در کنار آن کشورها و بهانه جویی برای ارتکاب جنایتی بزرگتر از جنایات قبلی بوده‌اند•

پیشگویی اصابت هواپیما به برج‌های مرکز تجاری نیویورک :

The scale of violence of such terrorist acts has escalated from demonstrative theater to the downing of jumbo aircraft and attacks on major buildings, as in Oklahoma City and New York City's World Trade Center. Had the World Trade Center collapsed, as was intended by the culprits, 100,000 citizens would have been at risk – an event on the scale of wartime Hiroshima or Nagasaki . . . (Mandell 2000, p 3235)



برج‌های
مرکز
تجاری
نیویورک
پیش از
اصابت
هواپیماها

New York City's World Trade Center



برج‌های
مرکز
تجاری
نیویورک
پس از
اصابت
هواپیماها

تاکید این نکته ضروری است که بدون شک تروریسم غیر دولتی خطر چندانی برای ملت‌ها به حساب نمی‌آید و وسعت اثرات تخریبی آن در مقایسه با تروریسم دولتی، بسیار ناچیز است و لذا این تروریسم دولتی است که دولت‌ها و به تبع آن ملت‌ها را رو در روی هم قرار می‌دهد و منشاء فساد و تباهی می‌باشد و این در حالیست که اگر دولت‌ها به جای نزاع‌ها و جدل‌های عصر حجر با توسل به خردگرایی به گفتگوی تمدن‌ها بپردازند و موضوعات مشترکی نظیر ادبیات، فلسفه، هنر، پزشکی و بهداشت که در سایه اثرات متقابل تمدن‌ها تکامل یافته و به مرحله رشد و شکوفایی رسیده‌اند را بعنوان محورهای مشترک مطرح نمایند زمینه را برای شناسایی سهم و نقش ملت‌ها در رشد و شکوفایی علوم مختلف، فراهم نموده از فاصله اختلاف طبقاتی و تنش‌های ناشی از آن کاسته، قلب‌های آن‌ها به هم نزدیک شده و بعضی از ملت‌ها را از "خود کوچک بینی" و برخی دیگر را از "خود بزرگ بینی" و نادیده گرفتن حقوق دیگران که عامل بروز تنش و رواج بی عدالتی و تروریسم شخصیتی، شیمیایی و بیوتروریسم است می‌رهاند و نهایتاً همه ملت‌ها پیشرفت‌های علمی و تمدن فعلی را نتیجه تلاش تمامی انسان‌ها در چین، هند، مصر، ایران و یونان قدیم و آمریکا و اروپای فعلی دانسته جنگ‌ها و اختلافات بین ملت‌ها را عامل بازدارنده و مخرب تمدن‌ها و صلح و امنیت عادلانه را عامل شکوفایی تمدن‌ها خواهند دانست و در راستای تامین و ارتقای صلح شرافتمندانه و امنیت پایدار، قدم خواهند داشت، چراکه تحقق سلامتی به مفهوم رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی که به قول حکیم نظامی گنجوی، تنها در سایه آسودگی (سلامت به اقلیم آسودگیست) حاصل می‌شود نیازمند بستر صلح و امنیت است نه تروریسم و افزون طلبی و با توجه به این دیدگاه، شناخت و آگاهی غیر متعصبانه ملت‌ها از یکدیگر و دستیابی به این واقعیت که تمامی انسان‌ها در پیشبرد تمدن انسانی و پیشرفت‌های علمی، نقشی داشته‌اند و مذاهب الهی دارای یک اصل و ریشه مشترک هستند، می‌تواند سنگ بنای تامین، حفظ و ارتقای سلامت و یکی از عوامل مهم جلوگیری از بیوتروریسم باشد.

در کتابی که پیش رو دارید تاریخچه بیوتروریسم در سطح جهان و سابقه چندصد ساله افکار و حتی اعمال بیوتروریستی در جای خود شرح داده شده و توضیحات کافی در باره تعریف واژه‌های مربوطه نیز ارائه گردیده است و لذا درنامه‌ای که در چند سطر بالا از نظر خوانندگان عزیز گذشت، تاریخچه و انگیزه اصلی نگارش کتاب حاضر بود که تحت چنین شرایطی با توجه به موجود نبودن کتاب جامعی که به اغلب جنبه‌های پزشکی و بهداشتی بیوتروریسم و دفاع بیولوژیک (آمادگی کارکنان حرفه‌های پزشکی و بهداشت)، پرداخته باشد به منظور **نوآموزی و بازآموزی** بیماری‌های مرتبط با بیوتروریسم، بر آن شدیم تا با بهره‌گیری از تجارب علمی بعضی از اساتید دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی علوم پزشکی کشور، ایدهم الله تعالی به تالیف این اثر بپردازیم که امید است مفید و راهگشا واقع شود.

در خاتمه توفیق کلیه همکاران گرامی را از درگاه احدیت، مسئلت نموده دعای حکیم جرجانی مولف کتاب **ذخیره خوارزمشاهی**، اولین دائرة المعارف پزشکی به زبان فارسی، در آغاز کتاب ششم ذخیره را زمزمه کرده از صمیم قلب از آن یگانه بی همتا می‌خواهیم که **اللَّهُمَّ وَفَقِنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى**. تا تمامی موفقیت‌هایمان از صافی رغبت و رضای او که خالق تمامی نیکی‌هاست بگذرد و علم مَهْدَبمان هرگز به منظور کشتار انسان‌ها مورد سوءاستفاده افزون طلبان و ضایع کنندگان حقوق انسان‌ها قرار نگیرد.

امید است نویسندگان کتاب را از رهنمودهای خود بهرمند فرمایید *

تشکر و قدردانی

وظیفه دارم از محضر کلیه اساتید گرامی آقایان دکتر هوشنگ ساغری، دکتر علی اکبر محمدی، دکتر محمد مهدی گویا، دکتر مسعود مردانی، دکتر سید رضا حسینی دوست، دکتر محمد حسن شاه حسینی، دکتر علی مهربانی توانا، دکتر محمد رهبر، دکتر محمد عباسی، دکتر بهروز نقیلی، دکتر فیض الله منصور، دکتر علیرضا جانبخش، دکتر سیاوش وزیری و دکتر بابک صیاد که زحمت نگارش مباحثی از کتاب را تقبل نمودند و بویژه استاد خستگی ناپذیر جناب آقای دکتر ساغری دبیر محترم هیئت بود بیماری‌های عفونی و گرمسیری و ریاست کمیته علمی مقابله با عوامل بیوتروریسم، که علاوه بر تالیف مقاله آبله و بروسوز، در تنظیم سایر مطالب کتاب نیز رهنمودهای سازنده‌ای ارائه فرموده و در تمامی پانل‌ها و سمینارهای مرتبط با بیوتروریسم نیز فعالانه شرکت نمودند و برادرم مهندس نصرالله حاتمی که در امر رایانه‌ای کردن این اثر از هیچ کوششی فروگذار نکردند تشکر نمایم *

بدینوسیله از معاونت محترم تحقیقات و فناوری وزارت متبوع، استاد گرامی جناب آقای دکتر حسین ملک افضلی که همواره مشوق اینجانب بوده‌اند و دستور رایانه‌ای کردن و قرارداد ویرایش رایانه‌ای کتاب حاضر در سایت HBI را صادر فرمودند تشکر می‌نمایم *

همچنین از استاد بزرگووارم جناب آقای دکتر محمد اسماعیل اکبری معاونت محترم سلامت که نگارنده را در تمام مراحل تالیف و تنظیم کتاب، ارشاد فرمودند و جناب آقای دکتر محمد مهدی گویا ریاست محترم مرکز مدیریت بیماری‌ها که دستور چاپ کتاب را صادر کردند صمیمانه تشکر می‌نمایم *

تابستان ۱۳۸۱

حسین حاتمی

مدیر گروه آموزشی بیماری‌های عفونی و گرمسیری
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه
و عضو کمیته علمی مقابله با عوامل بیوتروریسم

مقدمه چاپ دوم:

اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی

(حکیم جرجانی، مقدمه کتاب ششم ذخیره خوارزمشاهی)

آخرین موارد طاعون گزارش شده در سطح کشور، در سال ۱۳۴۴ شمسی یعنی ۳۸ سال قبل در سیّدآباد کردستان به وقوع پیوست، آخرین مورد ابله در سال ۱۳۵۱ یعنی ۳۰ سال قبل در شیراز رخ داد، جز یک مورد تولارمی انسانی که چندین سال قبل در انستیتو پاستور تهران به اثبات رسیده است مورد ثابت شده انسانی دیگری نداشته‌ایم، آنتراکس استنشاقی هم تا به حال در سطح مملکت به اثبات نرسیده و یا گزارش نشده است، علیرغم شیوع همیشگی بروسلوز در تمام نقاط مملکت، هنوز به طور جدّی با اشکال استنشاقی این بیماری، مواجه نشده‌ایم، موارد بوتولیسم تشخیص داده شده در سطح کشور نیز همواره از نوع مسمومیت غذائی غیرعمدی بوده و موردی از انتشار تنفسی یا گوارشی عمدی آن وجود نداشته است، سوابق تاریخی و شواهد سرولوژیک موجود، حاکی از آنست که CCHF همواره در بین حیوانات کشور و چه بسا در انسان‌ها عارض می‌شده است و عوامل عفونتزائی نظیر ویروس‌های ابولا، ماربورگ، لاسا، جونین، آنسفالیتهای اسبی شرقی، غربی و ونزوئلایی، تب زرد، نیبا، هانتا و بسیاری از عوامل میکروبی و فراورده‌های آن‌ها که امروزه در لیست سیاه عوامل اتیولوژیک بیوتروریسم یا جنگ‌افزارهای بیولوژیک، گنجانده شده‌اند شاید هرگز در مملکت ما وجود نداشته‌اند!

ولی چه شده است که امروزه میکروبیولوژیست‌ها، اپیدمیولوژیست‌ها، متخصصین بیماری‌های عفونی، دامپزشکان و بسیاری از رشته‌های مرتبط با پزشکی و بهداشت، بار دیگر با علاقه و اشتیاق وافر به مطالعه و مرور این بیماری‌های ریشه کن شده، کنترل شده، کمیاب و نایاب و بعضاً نوپدید و بازپدید، نشان می‌دهند و با تشکیل کنگره، سمینار و پانل‌های مرتبط با بیوتروریسم به نوآموزی و بازآموزی این بیماری‌ها مبادرت می‌کنند؟ و بیوتروریسم را که در اغلب موارد در حد حرف و حدیث، باقی مانده است و هرگز ممکن است تحقق نیابد جدی تلقی کرده و به ارتقای آگاهی‌های خود می‌پردازند؟

آیا علت اصلی این رویکرد جدید و تحول غیرمنتظره را نمی‌توان در این واقعیت، جستجو کرد که ناپدید و ریشه‌کنی واقعی بیماری‌های عفونی، هرگز تحقق نیافته و نخواهد یافت ؟ و آنچه که در طول تاریخ پزشکی اتفاق افتاده است نوپدید و بازپدید این بیماری‌ها بوده است!؟

چگونه می‌توان باور کرد ابله در سال ۱۹۷۷ (۱۹۸۰ میلادی)، ریشه‌کن شده است در حالیکه ویروس عامل آن را طی این سال‌ها در آمریکا (CDC)، سوئیس (WHO)، شوروی سابق و شاید هم در جاهای دیگر نگهداری کرده و پس از گذشت بیش از بیست سال به طور جدی نغمه‌های شوم احتمال استفاده جنگ‌افزاری و حتی دستکاری ژنتیک آن را سر داده و در حالیکه طی سال‌های اخیر، در کتب معتبر رشته بیماری‌های عفونی و گرمسیری به اشاره گذرائی در مورد این بیماری اکتفا می‌کردند بار دیگر در سال ۲۰۰۲ میلادی در مجلات علمی پرتیراژی نظیر نیوانگلند، طی چند شماره متوالی، چندین مقاله جدی در مورد ابله و واکسیناسیون آن منتشر می‌کنند! . پس باید فرض را براین بگذاریم که ابله، ریشه‌کن نشده است، احتمال بازپیدایی میلیون‌دواز و گاندلرز، وجود دارد، با این همه کانون طبیعی ظاهراً خاموش طاعون که در سطح مملکت وجود دارد هر لحظه ممکن است با طغیان این بیماری مواجه شویم و کابوس موارد استنشاقی بروسلوز، بوتولیسم، پستاکوز،

تیفوس، آنتراکس، تولارمی و . . . ممکن است به حقیقت پیوند، جذام و دراگونکولیازیس که به گواهی سازمان جهانی بهداشت، در سطح کشور به مرحله حذف رسیده است بار دیگر طغیان کند و پولیومیلیت در دست ریشه کنی، به سرنوشت آبله ظاهرا ریشه کن شده، ببینند و در نهایت ضمن ارج نهادن به برنامه‌های بسیار موثر کنترلی و ریشه کنی و تقویت اینگونه برنامه‌ها بر این باور باشیم که ریشه کنی واقعی ممکن است هرگز تحقق نیابد و براین اساس هرگز این مباحث را از کتب و مجلات و برنامه‌های آموزشی سمینارها و کنگره‌ها حذف نکنیم و چه کابوس بیوتروریسم، تحقق یابد یا نه آمادگی لازم جهت مقابله با بیماری‌های عفونی قدیم و جدید را همواره داشته باشیم و در عین حال طرح مسئله بیوتروریسم را نیز به فال نیک بگیریم! چرا که کلیه محافل پزشکی و بهداشت و متخصصین بیماری‌های عفونی و گرمسیری، میکروبیولوژیست‌ها، اپیدمیولوژیست‌ها، متخصصین و متولیان بهداشت عمومی و مدیران و مسئولین بهداشتی را به این نتیجه مهم رسانده است که هرچند لازم است حداکثر تلاش خود را صرف ریشه‌یابی و ریشه‌کنی بیماری‌های عفونی نمایند ولی حتی پس از ریشه‌کنی هم از بازپیدایی طبیعی یا عمدی آن‌ها غافل نشوند و همواره آمادگی لازم به منظور پیشگیری، تشخیص و درمان به موقع این بیماری‌ها را داشته و هرگز مباحث مربوطه را از کتب درسی رشته‌های پزشکی و بهداشت، حذف نمایند.

لازم به ذکر است که با اینکه کمتر از شش ماه از انتشار چاپ اول کتاب اپیدمیولوژی بالینی و کنترل بیماری‌های مرتبط با بیوتروریسم که در سایه عنایات الهی با سعی و کوشش جمعی از اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و همت والای معاونت سلامت وزارت بهداشت - مرکز مدیریت بیماری‌ها - به زیور چاپ آراسته شد، می‌گذرد ولی با توجه به اینکه کتاب مزبور، اولین کتاب جامعی است که در این زمینه به رشته تحریر درآمده بود و چندین کنگره، سمینار، و پانلهائی که طی این مدت در سطح کشور برگزار شد تعداد کتاب پیش‌بینی شده، تکافوی نیاز فعلی را نداد و از طرفی فرصت کافی جهت افزودن مباحثی نظیر تب زرد، تیفوس، بیوتروریسم ناشی از آب و غذای آلوده و . . . وجود نداشت، در چاپ جدید فقط مبحث مهم روش‌های تشخیص سریع به عنوان گفتار نهم و مبحث بسیار مهم و عملی مراقبت و رویارویی با بیوتروریسم بر اساس نشانگان بالینی به عنوان گفتار دهم از کتاب دوّم، افزوده و به رفع برخی از اشکالات چاپی اکتفا گردید و تغییرات بیشتر به چاپ بعدی که به یاری خداوند متّان در نیمه دوّم سال ۱۳۸۲ انجام خواهد شد، موکول گردید. ضمناً با عنایت به اینکه هرگز هیچیک از تصمیمات و مصوبات کنوانسیون منع تولید سلاح‌های بیولوژیک، باعث هیچ‌گونه تغییر رفتاری در روند بیوتروریسم نظری و عملی در سطح جهان نشده است به عنوان عملی‌ترین راه حلّ ممکن، امیدواریم نظیر ده ساله قبل از ریشه‌کنی آبله، تمامی کشورهای جهان و مخصوصاً کشورهای صنعتی و متمدّن، دست به دست هم داده قدم‌های اساسی به منظور ریشه کنی فقر و بیماری و کاهش اختلافات طبقاتی و در هم شکستن اضلاع مثلث شوم جهل، فقر و بیماری بردارند و کشورهای دیگر را تحریک نکنند تا در تاریخ پزشکی معاصر، چهره محبوبی از خود به یادگار بگذارند و بدینوسیله معضل بیوتروریسم، پسیکوتروریسم، تروریسم اقتصادی و امثال آن نیز حلّ شود. انشاءالله تعالی.

کمیته علمی مقابله با عوامل بیوتروریسم

بهمن ماه ۱۳۸۱

دکتر حسین حاتمی